



كد خبر : 10129058



تاريخ انتشار : ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ ۱۳:۲۱

تفسير سوره مجادله جلسه 15 (1396/11/21)

JW Player

دانلود فایل صوتی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲) ءَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَ يَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)}

سوره مبارکه «مجادله» که در مدینه نازل شد، ضمن اینکه بعضی از احکام فقهی را به همراه دارد، بخشی از احکام منطقه‌ای و بین‌المللی را هم به همراه دارد. اینکه فرمود به دیگران جا بدهید، تا خدا به شما فسحت و وسعت بدهد، این یک حرف بین‌المللی اسلام است. نه تنها منطقه‌ای یا محلی نیست، بین‌المللی هم هست؛ یعنی راه را برای جامعه باز کنید، حالا این یک خصوصیت است، این قید که دخالت ندارد. شما ببینید دعاها برای نورانی ماه مبارک رمضان برای چه کسی است؟ این نه ملی و محلی است نه منطقه‌ای. «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ»؛ [1] ندارد «كُلَّ فَقِيرٍ مُسْلِمٍ». «اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ»؛ [2] ندارد «كُلَّ مَرِيضٍ مُسْلِمٍ». این دید، تربیت جهانی اسلام است. اگر همه آن حداقل زندگی را داشته باشند ما راحت هستیم. اگر کسی در بند نباشد ما راحت هستیم. اگر کسی بدهکار نباشد: «اللَّهُمَّ اقْضِ ذَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ [مَدِينٍ]»؛ [3] اگر کل این هفت میلیارد آن حداقل زندگی را داشته باشند اولین روز رفاه ماست. فرمود سینه باز داشته باشید، صدر مشروح داشته باشید، {رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي}؛ [4] را تنها موسی (سلام الله علیه) درباره مبارزه با فرعون نگفت. چرا به ما گفتند این دعا را بخوانید؟ شرح صدر یعنی سینه باز، دید وسیع، تنگ‌نظر نبودن، اقتصاد را برای همه خواستن، رفاه را برای همه خواستن، داشتن حداقل زندگی را برای همه خواستن، فرمود این دید را داشته باشید خدا هم برای شما فراهم می‌کند. اما اگر «كُلُّ يَجْرُ النَّارِ إِلَى قُرْصِهِ»؛ [5] باشد، این «اللَّهُمَّ أَغْنِنِي»؛ [6] «اللَّهُمَّ اشْفِنِي»؛ [7] «اللَّهُمَّ أَيِّدْنِي»؛ [8] این باشد مشکل هست. اما {رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي}؛ لذا فرمود باز بیندیشید، وسیع‌النظر باشید، به فکر دیگران باشید، دیگران را هم جا بدهید. حالا این دینی که از آسمان آمده، برای یک متر جا در مسجد آیه نازل می‌کند، برای اقتصاد ما، رفاه ما، جامعه ما باز نمی‌کند. اینکه فرمود: {تَفَسَّخُوا فِي الْمَجَالِسِ}، این یک قید در خصوص آن مورد هست و گرنه دخیل نیست. {يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ}؛ دید وسیع داشته باشید، تنگ‌نظر نباشید. اگر خواستید علم باشد در حوزوی، برای همه بخواهید. اگر برای دانشگاهی خواستید، برای همه بخواهید. اگر کار و اشتغال بخواهید تنها برای خودمان و فرزندانمان نخواهیم. خدایا! برای هر جوانی کار، برای هر جوانی همسر، برای هر جوانی شغل! این دید، دید دینی ماست. در مدینه این دید تقویت شده، همه فهمیدند که انسان وقتی خدای سبحان مشکلات او را حل می‌کند که او در صدد حل مشکل جامعه بشری باشد. این است که خدا فرمود: {مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ}؛ [9] نه «ذکری للمسلمین»، «ذکری للموحّدين»، چه رسد «ذکری للشیعه». حصر هم کرد، فرمود این حقوق بشر است. حالا شما چه کار دارید ما چه کار داریم که فلان شخص مسلمان است یا کافر! او که {حُدُوهُ فَعْلُوهُ} را که تعطیل نکرده است، فرمود شما می‌خواهید راحت زندگی کنید این عقل و عدل را برای همه بخواهید، این آرامش را برای همه بخواهید. تبلیغ بکنید، {يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ}؛ [10] اینها سرچایش محفوظ است؛ اما در آن مرحله، این فسحت دید و وسعت دید را هم داشته باشید. آن مراحل بعدی را هم که خدا در جهنم را نبسته است. آن‌جا هم {حُدُوهُ فَعْلُوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ}؛ [11] سر جای خود محفوظ است، ولی شما بخواهید راحت باشید، به دیگران جا بدهید. بخواهید راحت باشید، تنها برای فرزندانمان دعا نکنید. این دعا در ماه مبارک رمضان ببینید که این دید جهانی است. بهترین ماه، ماه مبارک رمضان است و بهترین دعا، دعا بعد از نماز است؛ «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فُكِّ كُلَّ أَسِيرٍ»؛ [12]

بنابراین اینکه فرمود: **{تَفَسَّخُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا}**، مورد مخصّص نیست، شأن نزول مخصّص نیست. این بحث‌های اصولی را گذاشتند برای همین مطالب. حالا این در آن مورد وارد شده است؛ حتی در مورد تنگ‌تر که **{مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ}** هست. در سوره مبارکه «آل عمران» بحث آن گذشت، در آیه 121 سوره مبارکه «آل عمران» به این صورت بود: **{وَإِذْ عَدُوَّتٌ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ}**، شما وقتی از منزل بیرون آمدی، برای اینکه نیروهای رزمی را در جنگ بدر یا احد جاسازی کنی، اینها اگر یک نیروی رزمی و مسلّح وارد شد تنگ‌تر بنشینید به او جا بدهید. بله، این **{مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ}** است، همه حاضرند که ببینند وجود مبارک حضرت در جنگ بدر چه دستوری می‌دهد؟ در جنگ احد چه دستوری می‌دهد؟ این موردها مخصّص نیست، مقتید اطلاقات نیست. اینکه می‌گویند این مورد مخصّص نیست، یا مقتید نیست، برای همین است. نه جبهه جنگ بودن و نه در مسجد بودن. عمده آن است که مسلمان دیدش وسیع باشد.

در روایتی وجود مبارک حضرت یعنی رسول خدا(علیه و آله آلاف التّحیة و الثّناء) دید یکی از اصحاب دعا می‌کند. حضرت فرمود چرا می‌گویی پیغمبر و من؟ بگو جمیع بشر را، جمیع انسان‌ها را خدایا! مورد رحمت قرار بده. فرمود: **{تَحْجَرْتُ وَاسِعاً}**. [13] شما دیدید دشت‌های وسیع بیابان‌های وسیع کسی که قدرت اداره آنها را ندارد، یک گوشه آن را سنگ‌چین می‌کند، این حق التّحجیر که در فقه مطرح است همین است. در اماکن عمومی که مباهات است یک وقت کسی بخواهد مقداری از آن را بگیرد، تحجیر می‌کند؛ یعنی یک چند متر دورش را سنگ‌چین می‌کند. این حجرچینی، این سنگ‌چینی را می‌گویند حق تحجیر. این شخص اول این حق التّحجیر را که اولویت است مالک می‌شود بعد اگر احیا کرد خود زمین را هم مالک می‌شود. این کتابی که در فقه ماست به نام کتاب تحجیر، همین است. حضرت فرمود: **{لَقَدْ تَحْجَرْتُ وَاسِعاً}**؛ این دشت وسیع رحمت الهی را سنگ‌چین کردی، گفתי خدایا! پیغمبر را بیمارز، مرا بیمارز! لذا در بعضی از ادعیه پایان دعا این است که خدایا! هر کس نفس می‌کشد به او عنایت بکن! این راحت می‌شود. الآن هر جا شما می‌بینید در اثر این استکبار جهانی یا جنگ بلاواسطه است یا جنگ مع الواسطه، نجات آنها را انسان از خدا بخواهد، از همین قبیل است.

پس فرمود: **{تَفَسَّخُوا}** در دینتان، **{تَفَسَّخُوا}** در علمتان، **{تَفَسَّخُوا}** در فکرتان تا شما راحت باشید. اگر دیگران این حد قابل قبول زندگی را داشته باشند، شما راحت‌تر به سر می‌برید. این برای آیاتی که قبل وارد شده است.

پرسش: این دعا دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) را هم در بر می‌گیرد؟

پاسخ: باید هدایت کرد. اگر قابل هدایت نیستند، آن وقت در همان روایاتی که هست، عذابش هم هست. وجود مبارک امام صادق فرمود این حیوانات بیابان این شتر را بخورند بهتر است، مفسّر همین است، [14] اگر کسی قابل هدایت نیست هیچ! اگر «اللهم اهد کلّ فلان»؛ هدایت بکن کلّ انسان را! و

کسانی که {فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ}^[15] هستند شفا بده این است. اگر قابل هدایت نیستند، آن وقت همان {خُدُوهُ فَعَلُوهُ} سرجایش محفوظ است.

پرسش: حضرت نوح هم فرمودند: {رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَّارًا}.^[16]

پاسخ: بله، آنها هم همین کار را کردند. وقتی کسی قابل نیست، آن وقت مسئله غرق هست. زمین، ماه، آفتاب، دریا اینها منتظر فرمان الهی‌اند. اگر ما آن دید را داشتیم و تربیت کردیم، کردیم؛ نکردیم، همه اینها سربازان آماده‌اند. یک وقت به زمین می‌گوید قارون را بگیر: {فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضُ}؛^[17] می‌شود «شق الارض». یک وقت به دریا می‌گوید فرعون را بگیر: {فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ}؛^[18] یک وقت به ماه می‌گوید منشق بشو به فرمان وجود مبارک پیغمبر: {وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرُ}؛^[19] همه آماده‌اند که فرمان الهی را اطاعت کنند؛ اما ما موظف هستیم همه را در مرز دعوت کنیم، آن وقت هم ما راحت هستیم هم آنها. اگر گوش ندادند، همه آماده فرمان الهی‌اند. در قرآن فرمود سپاهیان الهی سربازان الهی یکی دو تا نیست: {وَمَا يَغْلُمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ}؛^[20] در بیانات نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) هست که هر موجودی در عالم سرباز آماده خداست. اگر - خدای ناکرده - خدا بخواهد کسی را بگیرد، این طور نیست که از جای دیگر لشکرکشی کند. فرمود: {وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ ... وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ}؛^[21] فرمود آن‌جا که شما تنها هستید در حضور خدا هستید، بعد بدانید اعضای شما، فکر شما، دست شما، پای شما، گوش شما، همه سربازان الهی‌اند. اگر - خدای ناکرده - بیراهه رفتید خواست شما را بگیرد، از جای دیگر سربازکشی نمی‌کند، حرفی می‌زنید رسوا می‌شوید جایی را امضا می‌کنید رسوا می‌شوید. فرمود دست شما سرباز اوست، زبان شما سرباز اوست، پای شما سرباز اوست، جایی که نباید بروید، می‌روید و رسوا می‌شوید. فرمود این را حواستان جمع باشد خدا اگر خواست کسی را بگیرد از شرق یا غرب سرباز نمی‌آورد. {وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ ... وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ}، حرفی می‌زنید آدم رسوا می‌شود. این طور نیست که ذات اقدس الهی ما را رها کرده باشد یا بخواهد از جای دیگری لشکرکشی بکند که طول بکشد. این طور نیست، این بیان نورانی حضرت است در نهج، پس این هست؛ اما ما موظف هستیم دیدمان وسیع باشد تا هم خودمان راحت باشیم هم دیگران. اگر همه شغل می‌داشتند این قدر ما سرقت نداشتیم و مشکلات پیش نمی‌آمد. فرمود برای همه بخواهید.

غرض این است که این آیه تنها برای یک متر جا در مسجد النبی در هزار و چهارصد سال قبل نیست. این برای گشایش همه مسلمان‌ها «الی یوم القيامة» است. اینکه در اصول می‌گویند مورد مخصّص نیست یا مورد مقید نیست باید به اطلاق تمسّک کرد به عموم تمسّک کرد، برای همین است.

در قسمت بعد راجع به این نجوا، وجود مبارک حضرت یک اتاق فکری داشت و هر کس نباید در آن اتاق فکر شرکت می‌کرد، برای اینکه کارهای حضرت مسائل مهمی بود. مشورت با حضرت، مناجات با حضرت، وقت خصوصی گرفتن حضرت فضیلتی بود افتخاری بود، خیلی‌ها می‌خواستند وقت خصوصی بگیرند در حالی که کار آنها کار عادی بود. ذات اقدس الهی چند مطلب را فرمود؛ فرمود آنها که وضع

مالی‌شان خوب است، چون دارند از حق عموم استفاده می‌کنند خدمتی هم به جامعه ارائه کنند، در صندوق بیت‌المال پولی بگذارند، برای اینکه وقت حضرت برای همه است. شما که تنها می‌خواهی استفاده کنی، خدمتی هم به جامعه برسان، این یک. دوم اینکه این از سنخ زکات و حج و جهاد نیست که فقط بر اغنیا واجب باشد. فرمود آن‌که دارد صدقه بدهد، آن‌که ندارد می‌تواند وقت خصوصی بگیرد؛ لذا فرمود هر کسی که بخواهد وقت خصوصی بگیرد باید صدقه بدهد. فرمود: {فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}، کار دارید، مطلب علمی دارید، بودجه زائد ندارید که به بیت‌المال صدقه بدهید، می‌توانید وقت خصوصی بگیرید. این طور نیست که این نظیر زکات باشد خمس باشد حج باشد که فقط وظیفه اغنیا باشد.

پرسش: اینکه می‌گویند بعد از نزول این آیه فقط حضرت علی(علیه السلام) نجوا کرده، دلیل آن این است که خدا می‌خواسته جلوی نجوا را بگیرد.

پاسخ: نه، جلوی وقت زائد را بگیرد، نجوا آزاد بود. فرمود هر که صدقه بدهد می‌تواند نجوا بکند؛ منتها دیگران آن مسائل مالی برایشان حاصل نبود آمدند این کار را کردند و آیه هم نسخ شده. حالا آن را هم عرض می‌کنیم. چون حضرت وقتش برای همه است، شما که می‌خواهید در جلسه خصوصی حضرت شرکت کنید، وقت خصوصی بگیرید نمی‌گذارید که حضرت سخنی داشته باشد که همه استفاده بکنند باید حق دیگران را هم رعایت بکنید. حالا اگر کسی یک مطلب مهمی داشت خواست با حضرت در میان بگذارد، وضع مالی‌اش هم خوب نبود، فرمود شما می‌توانید نجوایتان را داشته باشید و در اتاق فکر شرکت کنید و پیشنهاد علمی خودتان را بگویید و خدا غفور و رحیم است، این طور نیست که این نظیر زکات و حج و خمس فقط تکلیف اغنیا باشد.

پرسش: حضرت علی(علیه السلام) با توجه به اینکه قرض گرفت، فرمود فقیر بوده و قرض هم که مکروه است.

پاسخ: بله، اما «لما هو اهتم» که جایز است. در بعضی از روایات دارد که یک دینار داشت در بعضی از روایات دارد که قرض گرفت. حالا وجود مبارک حضرت امیر او اصلاً در اتاق فکری پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) حضور دارد. ببینید قبلاً هم به عرض شما رسید که خیلی‌ها فکر می‌کردند که این جریان «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» [22] این «حُسَيْنٌ مِنِّي»، چون نوه اوست «وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»، چون قیام کربلا این آثار را به بار آورد. آنها سرچایش محفوظ است؛ اما این درباره غالب اهل بیت آمده است. درباره «حَسَنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ» [23] آمده، درباره خود حضرت امیر آمده: «عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ»؛ [24] قبلاً بیان شد که برابر آیه سوره مبارکه «نساء» یعنی آیه مباهله وقتی ذات اقدس الهی فرمود: {وَ أَنفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ} [25] همه این مسائل حل است. «عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ»، سخن از نوه و فرزند و نتیجه و اینها نیست {وَ أَنفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ}، این «عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ» اولای از «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» است، چون آنچه وارد شده درباره خود حضرت امیر است. این حضرت امیر آن وقت در اتاق فکری پیغمبر حضور داشت. مسائل مهم مملکت بود، مسائل مهم دینی بود، سؤالات دینی بود؛ اینها برای او

مهم بود. الآن ببینید بسیاری از بزرگان ما در همین مسئله تفسیر، البته بسیار نه! اوحدي از بزرگان ما همان طوري که در جريان **{فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ}** ميگویند مورد مخصّص نیست، سخن از جاي مسجد نیست، سخن از زمان نیست، سخن از زمین نیست، سخن از شرح صدر است؛ ميگویند اگر کسي توفیقي پیدا کرده، دارد روایات نبوي را مطالعه ميکند، سیره پیغمبر را نگاه ميکند، سیره اهل بیت را نگاه ميکند و دیگران این توفیق را ندارند این باید خدا را شاکر باشد و صدقه بدهد، براي اینکه او وارد اتاق فکري اهل بیت شد و دیگران این کار را نکردند و نمیکند. ببینید تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟! آن اوحدي از اهل تفسیر بیراهه نرفته، منتها لطایفي که از دیگران مخفي است این دست یافته؛ نه اینکه ميگوید خصوص آنهاست، ميخواهد با پیغمبر نجوا کند، پیغمبر که زنده و مرده ندارد، چرا وقتی انسان وارد حرم مطهر شد، این آیه را ميخواند: **{وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا}** [26] این در زیارت حضرت است یا نه؟ الآن ما ميخوانیم یا نه؟ این مال زمان حیات حضرت است! آیه ميگوید که اگر اینها گناه بکنند استغفار بکنند نزد تو بیایند تو براي اینها استغفار بکنی، خدا ميبخشد. این آیه را الآن ما ميخوانیم، در کنار حرم حضرت ما ميخوانیم. معلوم ميشود زنده و مرده آن حضرت یکسان است. الآن هم کسي که در کنار روایات آن حضرت است قرآن آن حضرت است، نجوای آن حضرت است، دارد با او مناجات ميکند. حالا باید صدقه بدهد بهترین صدقه را مي تواند انتخاب بکند بدهد.

غرض این است که این قرآن آن دید را دارد، اگر - معاذالله - حضرت مرگش مرگ عادي بود، رفت رفت! حالا ما باید بگویم **{إِذَا نَجَّيْتُمْ}** مربوط به زمان حیات او است؛ اما وقتی دین دستور ميدهد وقتی شما وارد حرم مطهر نبوي شدي در مسجد النبي، این آیه را بخوانید! این آیه مربوط به زمان حیات آن حضرت است. ميگویم خدا گفته که اگر اینها گناه کردند استغفار کردند، به حضور تو آمدند و تو براي اینها استغفار کردی، **{لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا}**. الآن هم ما ميخوانیم، پس معلوم ميشود حیات و ممات حضرت يکي است. اگر کسي الآن توفیق داشت روایات آن حضرت را، قرآن آن حضرت را، دعای آن حضرت را، مناجات بکند این وارد اتاق فکري آن حضرت شد.

ببینید این دید با آن دیدي که ميگوید: **{فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ}**، نتیجه اش همان دعای ماه مبارک رمضان است که «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ»، «اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ»، «اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ»، این مي شود: **{وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ}** اگر این برای بشریت است، این است، این را ميگویند تفسیر قرآن به قرآن. تفسیر قرآن به قرآن این نیست که ما این آیه را بررسی کنیم، المعجم را جلو بگذاریم، کلمات این آیه را بررسی کنیم، مشابه این را در آیات دیگر! اینکه از هزار سال قبل تا حالا که همین طور بوده است، این که *المیزان* نميخواهد. این با اینکه هیچ کلمه اي در اینجا به هم ربط ندارد، مي شود تفسیر قرآن به قرآن. چگونه این **{ذِكْرِي لِلْبَشَرِ}** است، حقوق بشر است و ما همه داریم خودمان را دعا ميکنیم؟ ببینید اگر این آقا ميگوید که پیغمبر(صلي الله عليه و آله و سلم) حیات و مماتش يکي است و از آن دعای حرم نبوي کمک ميگیرد، معلوم مي شود که خود را مجاز مي داند که بگوید که الآن هم اگر

کسي وارد بحث تفسيری شد کلمات اهل بیت شد که با کلمات پیغمبر یکسان است، این وارد اتاق فکری پیغمبر شد، این باید صدقه بدهد. آن وقت می‌داند که چه کار بکند! این برای خودش برنامه‌ریزی می‌کند. {إِذَا نَاجَيْتُمُ}؛ یعنی «إذا أردتم النجوى»، {فَقَدْ مُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ} که بحث آن قبلاً گذشت. {فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا}، این طور نیست که حالا حق مناجات نداشته باشید. نه، اگر مطلب علمی دارید باید بگویید، {فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}.

اما نسخ آن؛ برخی‌ها گفتند که این یک حکم امتحانی بود، اکثری می‌گویند که حکم واقعی بود. چه امتحانی و چه واقعی، تنها مردی که به آن عمل کرد علی بن ابیطالب بود. دیگران حالا یا فرصتش را نداشتند چون زود نسخ شد، یا آن کار فکری پیش نیامد، سلمان و ابذر و این گونه از مردان الهی، تا یک امر ضروری پیش نمی‌آمد یک امر علمی مهم پیش نمی‌آمد که وقت حضرت را نمی‌گرفتند. این طور نبود که اینها بیخود وقت حضرت را بگیرند تا کسی بگوید چرا اینها نجوا نکردند؟ این نجوا کردن سرمایه‌ای می‌خواهد، وقت خصوصی گرفتن؛ یعنی در اتاق فکر رفتن یا یک سؤال علمی یا یک پیشنهاد علمی، چیزی باید باشد. این دست همه نبود، عده‌ای که سران سقیفه بودند همیشه دنبال این عناوین بودند دستشان خالی شد، آن‌جا فرمود: {ءَأَسْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ}، آنها بله، وضعشان روشن شد. آنها دستشان خالی بود، همیشه می‌خواستند نزدیک حضرت باشند تقریبی پیدا کنند، الآن دیدند که باید صدقه بدهند، آن کار را نکردند محروم شدند؛ لذا وجود مبارک حضرت چه این آیه، آیه امتحانی باشد؛ نظیر ذبح اسماعیل که بعید است، چه حکم واقعی باشد، «کما ذهب اليه أكثر» یا کثیر، تنها کسی که به آن عمل کرد حضرت امیر بود. بارها خود حضرت امیر در این باره فرمود که آیه‌ای که قبل از من کسی عمل نکرد، بعد از من کسی عمل نکرد، چون آیه نسخ شد. همزمان با من هم کسی عمل نکرد، تنها من بودم. جزء مفاخر آن حضرت بود.

پرسش: ... این آیه دارد مذمت می‌کند همه کسانی را که غنی بودند و می‌توانستند صدقه بدهند؛ اما عمداً ندادند.

پاسخ: بله، اشفاق نشان می‌دهد که اینها عمداً این کار را نکردند؛ یعنی می‌توانستند ولی نکردند.

پرسش: ...

پاسخ: بله، اشفاق همین جهت است؛ اما منظور این است که حضرت امیر که فخر می‌کند برای اینکه کار عادی نبود. حضرت امیر که جزء مفاخر خود می‌شمارد، حتی بعضی از سقّی‌ها گفتند که علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) چند مطلب دارد که اگر یکی از آنها برای ما بود، برای فضل دائمی ما کافی بود، یکی همین مسئله نجوا است. این {أَسْفَقْتُمْ} اشاره به ذمّ اینهاست، ولی غرض این است که اینها که همیشه سعی می‌کردند کنار حضرت باشند وقت خصوصی بگیرند دیدند مقداری باید صدقه بدهند، دستشان خالی شد محروم شدند و وجود مبارک حضرت امیر این را جزء مفاخر خود می‌شمارد، پس معلوم می‌شود که کار عادی نبود. چه امر، امر عادی باشد، یک ابراهیم خلیل (سلام الله علیه) می‌خواهد که

ذات اقدس الهي بفرمايد: {قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا}. [27] يك علي بن ابيطالب (صلوات الله و سلامه عليه) مي‌خواهد كه بفرمايد اين جزء مفاخر من است كه من عمل كردم ديگران عمل نكردند. اين مسئله {ءَ أَشْفَقْتُمْ}، نقدي است به اغنيا، كه به هر حال حاضر نشديد اين كار را بكنيد؛ اما آنها را كه ذات اقدس الهي كه فقير بودند فرمود: {فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} * ءَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ}، چند نفر كه بودند هر کدام صدقه‌اي مي‌دادند مي‌شد صدقات. شما كه خواهان وقت خصوصي بوديد، دلتان مي‌خواهد كه در اتاق فكر حضرت شركت كنيد، كنار حضرت بنشينيد، در صف اول بنشينيد، به هر حال حق ديگران را ضايع كرديد، پس چيزي هم به جامعه اسلامي بپردازيد. {فَإِذَا لَمْ تَفْعَلُوا}، يك: {وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ} كه نسخ مي‌شود، ديگر اين كار نيست، {فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ}، ولي {وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ}، برخي‌ها مال را براي خودشان خيلي عزيز مي‌شماردند. يك بيان نوراني از حضرت امير (سلام الله عليه) هست. غالب فرمايشات حضرت مسبوق به بيانات نوراني خود پيغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) است؛ فرمود: «فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ وَ إِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ»، [28] فرمود شما سه دايره حلقه‌وار ترسيم بكنيد، اين مال را سنگر اول قرار بدهيد، جان را سنگر دوم قرار بدهيد، دين را در آن هسته مركزي قرار بدهيد. فرمود مال را براي حفظ جانتان مي‌خواهيد، آبرويتان تاأمين است زندگي‌تان تاأمين است، «فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ»؛ اين مال را سنگر قرار بدهيد كه جانتان محفوظ باشد و اگر آن حادثه و رخداد تلخ جلوتر آمد، «فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ»؛ اين جانتان را در سنگر قرار بدهيد كه در اين سنگر دوم جانتان فداكاري كند و دينتان كه پشت اين سنگر هست محفوظ بماند. وقتي شهيد شديد ديگر كسي نمي‌تواند دين را از شما بگيرد، آن وقت اول فوز و راحتى شماست. تمام ناراحتى‌ها براى اين طرف است، بعد احساس حيات مي‌كنيم. مشكلش اين است كه ما اين حرف‌ها را باور نكرديم، اين انقلاب را همين عزيزان باور كردند. اين ذكرهاي عمومي، تسبيحات اربعه و اينها كه هميشه هست، ثوابش هم مشخص است؛ ما اين روايات را بررسي كرديم كه وجود مبارك پيغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) و سربازانش و نظاميانش، اينها كه مي‌رفتند به طرف احد، چه مي‌گفتند؟ به طرف جنگ بدر چه مي‌گفتند؟ به طرف جنگ حنين چه مي‌گفتند؟ در روايات دارد كه گاهي به دستور حضرت مي‌گفتند: «يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ» [29] {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} را هم مي‌خواندند. خود ما هم در راهپيمايي اين كار را مي‌كرديم. دوستاني هم كه با ما بودند در راهپيمايي‌ها چه ذكر مي‌گوئيم؟ مي‌گفتيم در بدر اين طور مي‌گفتند در احد اين طور مي‌گفتند، در حنين اين طور مي‌گفتند. حالا فردا كه همه در راهپيمايي مي‌خواهيد شركت بكنيد اين است. حالا آن مسائل جزئي قابل حل است؛ اما شما ببينيد دشمن صف بسته كه - معاذ الله - با دين مبارزه كند. اگر - خدائي ناكرده - اين دين آسيب ببيند رفت كه رفت! چندين مسجد در اسپانيايي فعلي و اندلس سابق بود، الآن شده كليسا. همان طوري كه باطل «يموت بترك ذكره»، حق مسلم هم «يموت بترك ذكره»، اينها جلوي چشم ماست. اين طور نيست كه قصه‌اي باشد كه بگوئيم تاريخ بيهقي گفته، سند دارد يا سند ندارد؟ خيّر! همه اين مساجد الآن شده كليسا. پس مي‌شود مسجد ويران بشود، بشود كليسا. معلوم مي‌شود كه پس مي‌شود قرآن برود كنار و - معاذ الله - چيزي ديگر بيايد. حالا خدا به مسئولين ما

به دیگران هم توفیق بدهد هم درک صحیح بدهد هم {فَافْسَحُوا لِلَّهِ لَكُمْ} بدهد که هم تولید را، هم اشتغال را، هم دین را جدّی بگیرند که – إن شاء الله – این امانت را انسان به دست صاحب اصلی اش بدهد.

«و الحمد لله رب العالمين»

- [1] . المصباح للكفعمي(جنة الأمان الواقية)، ص 617.
- [2]. المصباح للكفعمي(جنة الأمان الواقية)، ص 618.
2. المصباح للكفعمي(جنة الأمان الواقية)، ص 618.
- [4]. سوره طه، آیه 25.
- [5]. الامثال المولدة(خوارزمي)، ص 353.
5. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 1، ص 359.
6. الكافي(ط – الإسلامية)، ج 2، ص 565.
- [8]. بحار الأنوار(ط – بيروت)، ج 82، ص 218.
- [9]. سوره مدثر، آیه 31.
- [10]. سوره بقره، آیه 129.
- [11]. سوره حاقه، آیات 30 و 31.
- [12] . المصباح للكفعمي(جنة الأمان الواقية)، ص 617 و 618.
- [13]. المجازات النبوية، ص 359.
1. علل الشرائع، ج 2، ص 599.
- [15]. سوره بقره، آیه 10؛ سوره مائده، آیه 52؛ سوره انفال، آیه 49.
- [16] . سوره نوح، آیه 26.
- [17]. سوره قصص، آیه 81.
- [18]. سوره قصص، آیه 40.

[19]. سورة قمر، آیه 1.

[20]. سورة مدثر، آیه 31.

[21]. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، خطبه 199.

[22]. كامل الزيارات، ص 52.

[23]. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 43، ص 306.

[24]. الأمالي (للصدوق)، النص، ص 9.

[25]. سورة آل عمران، آیه 61.

[26]. سورة نساء، آیه 64.

[27]. سورة صافات، آیه 105.

1. الكافي (ط - الإسلامية)، ج 2، ص 216.

[29]. رك: بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج 32 ؛ ص 460؛ «كَانَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِذَا سَارَ إِلَيَّ قِتَالٍ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى ... اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ يَا اللَّهُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اكْفُفْ عَنَّا شَرَّ الظَّالِمِينَ...».

برچسب